

چون یاران سخن مجنون شنیدند کعبه لواء اعتبار نکردند
 میکنند درش ماند در بند رنجور دل از برای سوزند
 با انجمنی بزرگ زخواست کرد از همه روی کار رها



آراسته با جان کردی میرفت به بهتریش گوی
 چون قید لیلی از آمدن مجنون خواستکاری لیلی نکاشتند

H. Monif
640. MADISON AV.
NEW YORK

241-50

597

ایشان را باغ از دوا کرام دآورند و از کیفیت حال استفسار
نمودند چون مدعی سید عامری معلوم کردند پدر یکی
روبرسینه خوات ایشان آتشی در دل سوخته آن جن
کین گفته بفرستد از چوین است
میکو تو فلک بکار توین است
کز جبه سخن آمد بگو بستم
بر آتش تیره کی نشستم
کرد و پستی درین شمارت
فرزند تو که چه هست خوش نام
جون عامریان سخن شنیدند
خبر باز شدن دری ندیدند
نومید بجای خویش رفته
سر یک بدایر خویش رفته
جون عامریان از قتل بیدار
نومید ببار کشیده ببار دوا
دعا کردند گفته علاج کار مادر رستن کعبه بدید خواهند
پیران قوم مخبون ای بیت الحرام دآورند و نقدم صدق

در آن

MSP 29